

تهیه کننده: عبدالمجید رستمی

دبیر عربی دبیرستان نمونه دولتی سعادت و تیزهوشان

استان فارس - کازرون

@majid646

09171239262-09015608038

الدَّرْسُ الثَّالِثُ



﴿اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي

السَّمَاءِ...﴾ الرُّوم: ٤٨

خدا همان کسی است که بادهای را می‌فرستد و [بادهای] ابری را
برمی‌انگیزد و [خدا] آن [ابری] را در آسمان می‌گستراند.

الدَّرْسُ الثَّالِثُ

درس سوم

مَطَرُ السَّمَكِ

باران ماهی

هَلْ تُصَدِّقُ أَنْ تَرَى فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ أَسْمَاكَ تَسْقُطُ مِنَ السَّمَاءِ؟! إِنَّ نُزُولَ الْمَطَرِ
آیا باور می کنی که در روزی از روزها ماهی هایی را ببینی که پی در پی از آسمان می افتند؟ بدون شک بارش باران
وَ التَّلَجُّ مِنَ السَّمَاءِ شَيْءٌ طَبِيعِيٌّ؛ وَلَكِنْ أَيْمُنُ أَنْ تَرَى مَطَرَ السَّمَكِ؟! هَلْ تَظُنُّ أَنْ يَكُونَ
و برف از آسمان چیز طبیعی است؛ ولی آیا ممکن است که باران ماهی ببینیم؟ آیا گمان می کنی
ذَلِكَ الْمَطَرُ حَقِيقَةً وَ لَيْسَ فِلْمًا خَيَالِيًّا؟! حَسَنًا فَإَنْظُرْ إِلَى هَذِهِ الصُّورِ حَتَّى تُصَدِّقَ.
که آن باران حقیقت داشته باشد و فیلمی خیالی نیست؟ بسیار خوب پس به این عکس ها نگاه کن تا باور بکنی



أَنْظُرْ بِدِقَّةٍ؛ أَنْتَ تَشَاهِدُ سُقُوطَ الْأَسْمَاكِ مِنَ السَّمَاءِ؛ كَأَنَّ السَّمَاءَ تُمَطِّرُ أَسْمَاكَ.
با دقت نگاه کن؛ تو افتادن ماهی ها از آسمان را مشاهده می کنی؛ گویا آسمان ماهی هایی را می بارد.
يُسَمِّي النَّاسُ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ الطَّبِيعِيَّةَ «مَطَرَ السَّمَكِ». حَيَّرَتْ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ النَّاسَ سَنَوَاتٍ
مردم این پدیده ی طبیعی را «باران ماهی» نامیدند. این پدیده سال های طولانی مردم را حیران کرد
طَوِيلَةً قَمَا وَجَدُوا لَهَا جَوَابًا.

پس پاسخی برایش نیافتند

يَحْدُثُ «مَطَرُ السَّمَكِ» سَنَوِيًّا فِي جُمْهُورِيَّةِ الْهِنْدُوْرَاسِ فِي أَمْرِيكَا الْوُسْطَى.

باران ماهی سالانه در جمهوری هندوراس در آمریکای مرکزی رخ می دهد



3) کلماتی مانند (ارض، نار، دار، حرب، اعضای زوج بدن «پد، رجل، عین» مؤنث هستند با اینکه علامت (ة) ندارند

↓ ↓ ↓ ↓ ↓ ↓
 چشم پا دست آتش خانه جنگ

4) اسم اشاره، صفت، ضمیر برای اسم های جمع غیر انسان به صورت مفرد مؤنث نوشته می شود

5) اسم هاس مثنی و جمع مذکر سالم در صورتی که به اسمی یا ضمیری اضافه شوند نون شان حذف می شود

تَحَدَّثُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ أحياناً. فَيَلْحِظُ النَّاسُ غَيْمَةً سَوْدَاءَ عَظِيمَةً
 گاهی این پدیده دوبار در سال رخ می دهد. پس مردم یک ابر سیاه بزرگ و زرد و برق و بادهایی قوی
 وَ زَعْدًا وَ بَرْقًا وَ رِيحًا قَوِيَّةً وَ مَطَرًا شَدِيدًا لِمُدَّةٍ سَاعَتَيْنِ أَوْ أَكْثَرَ ثُمَّ تُصْبِحُ الْأَرْضُ
 و بارانی شدید به مدت دوساعت یا بیشتر را ملاحظه می کنند سپس زمین پوشیده از ماهی ها می شود
 مَفْرُوشَةً بِالْأَسْمَاكِ، فَيَأْخُذُهَا النَّاسُ لِيَطْبَخُهَا وَ تَنَاوُلُهَا.
 سپس مردم آنها را برای پختن و مصرف کردنشان می گیرند(می برند)



حاوَلِ الْعُلَمَاءُ مَعْرِفَةَ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ الْعَجِيبَةِ؛ فَأَرْسَلُوا فَرِيقًا لِيَزِيْرَةَ الْمَكَانِ وَ
 دانشمندان برای شناختن راز آن پدیده ی عجیب تلاش کردند؛ پس تیمی را برای دیدن مکان
 التَّعْرِيفِ عَلَى الْأَسْمَاكِ الَّتِي تَتَساقَطُ عَلَى الْأَرْضِ بَعْدَ هَذِهِ الْأَمْطَارِ الشَّدِيدَةِ؛ فَوَجَدُوا أَنَّ
 و شناختن ماهی هایی که بعد از این باران های شدید پی در پی بر زمین می افتادند فرستادند
 أَكْثَرَ الْأَسْمَاكِ الْمُنتَشِرَةِ عَلَى الْأَرْضِ مِنْ نَوْعِ وَاحِدٍ، وَلَكِنَّ الْعَرِيبَ فِي الْأَمْرِ أَنَّ الْأَسْمَاكِ
 پس دریافتند که ماهی های پخش شده بر روی زمین از یک نوع هستند، ولی عجیب در کار این است
 لَيْسَتْ مُتَعَلِّقَةً بِالْمِيَاهِ الْمُجَاوِرَةِ بَلْ بِمِيَاهِ الْمُحِيطِ الْأَطْلَسِيِّ الَّذِي يَبْعُدُ مَسَافَةً مِائَتَيْ
 که ماهی ها متعلق به آب های مجاور نیست بلکه متعلق به آب های اقیانوس اطلسی است که
 كِيلُومِترَ عَن مَحَلِّ سُقُوطِ الْأَسْمَاكِ.
 مسافت 200 کیلومتر از محل افتادن ماهی ها دور می باشد

ما هُوَ سَبَبُ تَشْكِيلِ هَذِهِ الظَّاهِرَةِ؟! يَحَدِّثُ إِعْصَارٌ شَدِيدٌ فَيَسْحَبُ الْأَسْمَاكِ إِلَى
 علت تشکیل این پدیده چیست؟ گردباد شدیدی رخ می دهد سپس ماهی ها را با قدرت به
 السَّمَاءِ بِقُوَّةٍ وَيَأْخُذُهَا إِلَى مَكَانٍ بَعِيدٍ وَ عِنْدَمَا يَفْقِدُ سُرْعَتَهُ تَتَساقَطُ عَلَى الْأَرْضِ.
 طرف آسمان می کشد و آنها را به مکان دوری می برد و هنگامی که سرعتش را از دست می دهد پی در پی بر زمین می افتند
 يَحْتَفِلُ النَّاسُ فِي الْهُندُوراس بِهَذَا الْيَوْمِ سَتَوِيًّا وَ يُسَمُّونَهُ «مِهْرَجَانَ مَطَرِ السَّمَكِ».
 مردم در هندوراس این روز را سالانه جشن می گیرند و آن را «جشنواره ی باران ماهی» می نامند

حَتَّى تُصَدِّقَ: تا باور کنی	تَسَاقَطَ: پی در پی افتاد	أَثَارَ: برانگیخت
ظَاهِرَةٌ: پدیده «جمع: ظواهر»	التَّعَرُّفُ عَلَيَّ: شناختن	احْتَفَلَ: جشن گرفت
فِلم: فیلم «جمع: أفلام»	تَلْج: برف، یخ «جمع: تُلوج»	أرْسَلَ: فرستاد
لَا حَظَّ: ملاحظه کرد	حَسَنًا: بسیار خوب	أَصْبَحَ: شد
الْمُحِيطُ الْأَطْلَسِيّ: اقیانوس اطلس	حَيْرَ: حیران کرد	إعصار: گردباد «جمع: أعاصير»
مَفْرُوش: پوشیده	سَحَبَ: کشید	أَمْرِيكَا الْوُسْطَى: آمریکای مرکزی
مِهْرَجَان: جشنواره	سَمَى: نامید	أَمْطَرَ: باران بارید
نُزُول: پایین آمدن	سُودَاء: سیاه (مؤنثِ أَسْوَد)	بَسَطَ: گستراند
	سَتَوِيًّا: سالانه	بَعُدَ: دور شد
	صَدَّقَ: باور کرد	تَرَى: می بینی «أَنْ تَرَى: که بینی»

x ✓



عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

صحيح و خطا را بر حسب متن درس معين كن

- x ۱- يَحْتَفِلُ أَهَالِي الْهِنْدُوراس بِهَذَا الْيَوْمِ شَهْرِيًّا وَ يَسَمُوْنَهُ «مِهْرَجَانَ الْبَحْرِ».
ساکنان هندوراس این روز را ماهانه جشن می گیرند و آن را «جشنواره ی دریا» می نامند
- ✓ ۲- عِنْدَمَا يَفْقِدُ الْإِعْصَارُ سُرْعَتَهُ، تَتَسَاقَطُ الْأَسْمَاكُ عَلَيَّ الْأَرْضِ.
هنگامی که گردباد سرعتش را ازدست می دهد، ماهی ها پی در پی بر زمین می افتند
- x ۳- يَتَسَّسُ الْعُلَمَاءُ مِنْ مَعْرِفَةِ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ الْعَجِيبَةِ.
دانشمندان از شناختن راز آن پدیده ی شگفت نا امید شدند
- ✓ ۴- إِنَّ نُزُولَ الْمَطَرِ وَ التَّلْجِ مِنَ السَّمَاءِ أَمْرٌ طَبِيعِيٌّ.
بی شک بارش باران و برف از آسمان امری طبیعی است
- x ۵- تَحَدَّثُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ عَشْرَ مَرَّاتٍ فِي السَّنَةِ.
این پدیده ده مرتبه در سال رخ می دهد

تفاوت معنایی فعل های زیر را در نظر بگیرید :

خَرَجَ: خارج شد // اِسْتَخْرَجَ: بیرون آورد، استخراج کرد // اَخْرَجَ: بیرون آورد // تَخَرَّجَ: دانش آموخته شد
عَرَفَ: شناخت، دانست // اِعْتَرَفَ: اعتراف کرد // تَعَارَفَ: آشنا شد // عَرَفَ: معرفی کرد
قَطَعَ: قطع کرد، برید // اِنْقَطَعَ: بریده شد

إِعْلَمُوا

الْفِعْلُ الثَّلَاثِيُّ الْمَجْرَدُ وَالْمَزِيدُ (۱)

در زبان فارسی به فعل هایی مانند «رفت» و «برگشت»، سوم شخص مفرد می گوئیم.
فعل ها در زبان عربی بر اساس شکل «سوم شخص مفرد در فارسی» (مفرد مذکر غایب)
به دو گروه تقسیم می شوند.

به عبارت دیگر؛ فعل ها از لحاظ تعداد حروف در سوم شخص مفرد ماضی آنها بر دو نوعند:
گروه اول: ثلاثی مجرد؛ یعنی فعل هایی که «ماضی مفرد مذکر غایب» آنها فقط
از سه حرف اصلی تشکیل می شود. بیشتر فعل های عربی متوسطه اول این گونه بودند؛
مانند: خَرَجَ، عَرَفَ، قَطَعَ و شَكَرَ.

گروه دوم: ثلاثی مزید؛ فعل هایی که «ماضی مفرد مذکر غایب» آنها علاوه بر سه
حرف اصلی، حروف زائد دارد؛ مانند: اِسْتَخْرَجَ، اِعْتَرَفَ، اِنْقَطَعَ و تَشَكَّرَ¹ این فعل ها علاوه
بر اینکه تعداد حروفشان بیشتر است، معنایشان نیز فرق دارد.

این فعل ها هشت دسته اند که به هر دسته «باب» گفته می شود.

در جدول زیر به ترتیب چهار باب ثلاثی مزید «اِسْتِفْعَال، اِفْتِعَال، اِنْفِعَال و تَفْعُل»

آمده است.

در باب های زیر وزن فعل ماضی و مضارع برای سوم شخص مفرد مذکر است و وزن فعل امر برای دوم شخص مفرد مذکر است

اَلْمَاضِي	اَلْمُضَارِع	اَلْأَمْر	اَلْمَصْدَرُ ^۱
اِسْتَفْعَل	يَسْتَفْعِلُ	اِسْتَفْعِلْ	اِسْتِفْعَال
اِفْتَعَلَ	يَفْتَعِلُ	اِفْتَعِلْ	اِفْتِعَال
اِنْفَعَلَ	يَنْفَعِلُ	اِنْفَعِلْ	اِنْفِعَال
تَفَعَّل	يَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلْ	تَفْعُل

مصدر در فارسی: بن ماضی + ن



۱- دانش آموز باید وزن های فعل ها و مصدرهای این جدول را حفظ باشد و توانایی تشخیص آنها را داشته باشد.
مصدر هادر زبان عربی بر وزن های «اِسْتِفْعَال - اِفْتِعَال - اِنْفِعَال - تَفْعُل - تَفَاعُل - مُفَاعَلَة - تَفْعِيل - اِفْعَال» می آیند

مصدرهای به رنگ آبی را در درس چهارم می خوانید

تفاوت معنایی فعل های زیر را در نظر بگیرید :

إِسْتَرْجَعَ: پس گرفت // رَجَعَ: برگشت غَفَرَ: آمرزید // اسْتَغْفَرَ: آمرزش خواست

فَتَحَ: گشود، باز کرد // اِنْفَتَحَ: باز شد

أَلْبَاب	الماضي	المضارع	الأمر	المصدر
إِسْتِفْعَال	إِسْتَرْجَعَ: پس گرفت	يَسْتَرْجِعُ: پس می گیرد	إِسْتَرْجِعْ: پس بگیر	إِسْتِرْجَاع: پس گرفتن
إِفْتِعَال	إِسْتَعَلَّ: کار کرد	يَسْتَعِلُّ: کار می کند	إِسْتَعِلْ: کار کن	إِسْتِعَال: کار کردن
إِنْفِعَال	إِنْفَتَحَ: باز شد	يَنْفَتِحُ: باز می شود	إِنْفَتِحْ: باز شو	إِنْفِتَاح: باز شدن
تَفَعُّل	تَخَرَّجَ: دانش آموخته شد	يَتَخَرَّجُ: دانش آموخته می شود	تَخَرَّجْ: دانش آموخته شو	تَخْرُج: دانش آموخته شدن

إِخْتِيارِ نَفْسِكَ:

خودت را آزمایش کن

تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ الثَّلَاثِيَّةَ الْمَزِيدَةَ، ثُمَّ عَيِّنْ نَوْعَ الْبَابِ.

فعل های ثلاثی مزید را ترجمه کن، سپس نوع باب را مشخص کن

باب	مضارع	ماضي	مصدر	امر
إِسْتِفْعَال	إِسْتَعْفَرَ: آمرزش خواست	يَسْتَعْفِرُ: آمرزش می خواهد	إِسْتِعْفَار: آمرزش خواستن	إِسْتَعْفِرْ
	إِسْتَعْفَرَ: آمرزش بخواه	يَسْتَعْفِرُ: آمرزش می خواهد	إِسْتِعْفَار: آمرزش خواستن	إِسْتَعْفِرْ
إِفْتِعَال	إِعْتَذَرَ: پوزش خواست	يَعْتَذِرُ: پوزش می خواهد	إِعْتِذَار: پوزش خواستن	إِعْتَذِرْ
	إِعْتَذَرَ: پوزش بخواه	يَعْتَذِرُ: پوزش می خواهد	إِعْتِذَار: پوزش خواستن	إِعْتَذِرْ
إِنْفِعَال	إِنْقَطَعَ: قطع شد	يَنْقَطِعُ: قطع می شود	إِنْقِطَاع: بُریده شدن	إِنْقَطِعْ
	إِنْقَطَعَ: قطع شو	يَنْقَطِعُ: قطع می شود	إِنْقِطَاع: بُریده شدن	إِنْقَطِعْ
تَفَعُّل	تَكَلَّمَ: سخن گفت	يَتَكَلَّمُ: سخن می گوید	تَكَلُّم: سخن گفتن	تَكَلَّمْ
	تَكَلَّمَ: سخن بگو	يَتَكَلَّمُ: سخن می گوید	تَكَلُّم: سخن گفتن	تَكَلَّمْ

الْفِعْلُ اللَّازِمُ وَ الْفِعْلُ الْمُتَعَدِّي

پیش از آشنایی با فعل لازم و متعدی با مفهوم فعل، فاعل و مفعول آشنا شوید.

فعل، کلمه‌ای است که بر انجام کاری یا داشتن حالتی در گذشته، حال یا آینده دلالت دارد.

فاعل، انجام دهنده کار یا دارنده حالت است. بعد از فعل می آید و انتهایش علامت **یا - یا ان یا ون** می آید

مفعول، اسمی است که در زبان عربی معمولاً پس از فاعل می آید و کار بر آن انجام می شود. و انتهایش علامت **یا - یا** یا **ین یا ین می آید** فعلی که معنای آن با فاعل کامل می شود و به مفعول نیاز ندارد، فعل لازم نام دارد.

مثال: رَجَعَ جَوَادٌ: جواد برگشت.

فعل لازم فاعل

تَجَلَسَ سَاجِدَةٌ: ساجده می نشیند.

فعل لازم فاعل

به فعلی که معنای آن با فاعل کامل نمی شود و به مفعول نیاز دارد، فعل متعدی گفته می شود.

مثال: أَرْسَلَ جَوَادٌ رِسَالَةً: جواد نامه‌ای را فرستاد.

فعل فاعل مفعول

يَقْطَعُ النَّجَّارُ الْخَشَبَ: نجار چوب را می بُرد.

فعل فاعل مفعول

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمْ هَذِهِ الْجُمْلَةَ وَ عَيِّنِ الْفِعْلَ الْمُتَعَدِّي.

خودت را آزمایش کن: این جمله ها را ترجمه کن و فعل متعدی را مشخص کن

۱- ﴿إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ...﴾ يوسف : ۴

فعل متعدی

فعل متعدی

بی گمان من یازده ستاره و خورشید و ماه را دیدم آنها را برای خودم سجده کنان دیدم

۲- ذَهَبَتْ طَالِبَةٌ لِإِطْفَاءِ الْمَكِيفَاتِ. دانش آموزی برای خاموش کردن کولرها رفت

۳- زَانَ اللَّهُ السَّمَاءَ بِأَنْجُمٍ كَالدَّرَرِ. خداوند آسمان را با ستارگانی مانند مرواریدها زینت داد

فعل متعدی

درخت از دانه ی کوچکی رشد می کند

۴- تَنَمَوُ الشَّجَرَةُ مِنْ حَبَّةٍ صَغِيرَةٍ.

پدر حامد رایانه ی کوچکی خرید

۵- إِشْتَرَى وَالِدُ حَامِدٍ حَاسِبًا لَهُ.

فعل متعدی

1) اسم مثنی و اسم جمع مذکر سالم در صورتی که به اسم یا ضمیری اضافه شوند نونشان حذف می شود والدای: در اصل والدانی بوده است

2) در ترجمه ی ترکیب (لِ یا عِنْدَ) + ضمیر یا اسمِ اوّل جمله: با توجه به اسم یا ضمیرِ بعد از (لِ یا عِنْدَ) از دارم - داری - دارد - داریم - دارید - دارند (استفاده می شود)

3) معانی (کل) به فارسی :

الف) کُلٌّ + اسم مفرد: کُلٌّ به معنی «هر» کُلُّ طَالِبٍ: هر دانش آموزی ب) کُلٌّ + اسم جمع: کُلٌّ به معنی «همه» کُلُّ طُلَّابٍ: همه ی دانش آموزان ج) کُلٌّ + مِنْ: کُلٌّ به معنی «هریک» کُلُّ مِنَ الطُّلَّابِ: هریک از دانش آموزان در گروه های دو نفره شبیه گفت وگوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

حوار گفتگو

(في قسم الجوازات) در بخش گذرنامه ها

مسافر ایرانی المُسَافِرُ الْإِيرَانِيّ	پلیس اداره ی گذرنامه ها شُرطِيّ إِدَارَةِ الْجَوَازَاتِ
ما اهل ایران و از شهر زابل هستیم. نَحْنُ مِنْ إِيْرَانٍ وَ مِنْ مَدِيْنَةِ زَابَلٍ.	خوش امیدید. شما اهل کرام کشورید؟ أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ. مِنْ أَيِّ بَلَدٍ أَنْتُمْ؟
از تو سپاسگزارم سرورم أَشْكُرُكَ يَا سَيِّدِي.	خوش آمدید. مشرف فرمودید مَرَحَبًا بِكُمْ. شَرَّفْتُمُونَا.
این زبان را دوست دارم. عربی ریاست أَحِبُّ هَذِهِ اللُّغَةَ. الْعَرَبِيَّةُ جَمِيْلَةٌ.	ماشایا خوب به عربی صحبت می کنی مَا شَاءَ اللّٰهُ! تَتَكَلَّمُ بِالْعَرَبِيَّةِ جَيِّدًا!
شش تا پدر و مادرم، و دو خواهرم و دو برادرم سِتَّة: وَالِدَايَ ¹ وَ أُخْتَايَ وَ أَخَوَايَ .	تعداد همسران چندتا است كَمْ عَدَدُ الْمُرَافِقِيْنَ ؟
بله هریک از ما بلیطش در دستش است نَعَمْ؛ كُلُّ ³ وَاحِدٍ مِّنَّا بِطَاقَتُهُ بِيَدِهِ.	مهمان ها خوش آمدند (درود بر مهمان ها). آیا بلیط های داخل شدن دارید؟ أَهْلًا بِالضُّيُوفِ. هَلْ عِنْدَكُمْ بِطَاقَاتُ الدُّخُولِ؟
به روی چشمم عَلَى عَيْنِي.	مردها به راست و زنان به چپ برای بازرسی الرِّجَالُ عَلَى الْيَمِيْنِ وَ النِّسَاءُ عَلَى الْإِيْسَارِ لِلتَّفْتِيْشِ . ⁷
ما آماده ایم نَحْنُ جَاهِزُونَ. ⁸	لطفاً گذرنامه هایتان را در دستانتان قرار بدهید رَجَاءً؛ اجْعَلُوا جَوَازَاتِكُمْ فِيْ أَيْدِيكُمْ.



۱- جواز: گذرنامه ۲- مَرَحَبًا بِكُمْ: خوش آمدید ۳- شَرَّفْتُمْ: مشرف فرمودید ۴- مُرَافِق: همراه ۵- وَالِدَايَ وَ أُخْتَايَ وَ أَخَوَايَ: پدر و مادرم، دو خواهرم و دو برادرم ۶- بِطَاقَةٌ: کارت، بلیت ۷- تَفْتِيْش: بازرسی ۸- جاهز: آماده

التمرين الأول: عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَغَيْرَ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَالْوَاقِعِ. ✓ ✕

- تمرين أول: جمله ی صحیح و غیر صحیح را بر حسب حقیقت و واقعیت معین کن
- ✓ ۱- الْمَهْرَجَانُ احْتِفَالٌ بِمُنَاسَبَةٍ جَمِيلَةٍ، كَمَهْرَجَانِ الْأَزْهَارِ وَ مَهْرَجَانِ الْأَفْلَامِ.
جشنواره جشنی است به مناسبتی زیبا، مانند جشنواره ی گل ها و جشنواره ی فیلم ها
- ✕ ۲- التَّلْجُ نَوْعٌ مِنْ أَنْوَاعِ نُزُولِ الْمَاءِ مِنَ السَّمَاءِ يَنْزِلُ عَلَى الْجِبَالِ فَقَطْ.
برف نوعی از انواع بارش آب از آسمان است که فقط بر کوه ها می بارد
- ✓ ۳- يَحْتَفِلُ الْإِيرَانِيُّونَ بِالنُّورِزِ أَوَّلَ يَوْمٍ مِنْ أَيَّامِ السَّنَةِ الْهَجْرِيَّةِ الشَّمْسِيَّةِ.
ایرانی ها نوروز اولین روز از روزهای سال هجری شمسی را جشن می گیرند
- ✓ ۴- تَعِيشُ الْأَسْمَاكُ فِي النَّهْرِ وَ الْبَحْرِ وَ لَهَا أَنْوَاعٌ مُخْتَلِفَةٌ.
ماهی ها در رودخانه و دریا زندگی می کنند و انواع مختلفی دارند
- ✕ ۵- الْأَعْصَارُ رِيحٌ شَدِيدَةٌ لَا تَنْتَقِلُ مِنْ مَكَانٍ إِلَى مَكَانٍ آخَرَ.
گردباد باد شدیدی است که از جایی به جای دیگر منتقل نمی شود

التمرين الثاني: صَعِّ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ».

تمرین دوم: در دایره عدد مناسب قرار بده. «یک کلمه اضافی است»

- | | | |
|---|---|-----------------------------------|
| 5 | يُدْرُسُ فِيهِ الطُّلُبُ. | ۱- مَكِّيُّفُ الْهَوَاءِ |
| 3 | دانش آموزان در آن درس می خوانند | ۲- الْمَشْمِشُ ^{کولر} |
| 1 | ما لَيْسَ مَفْتُوحًا؛ بَلْ مَسْدُودًا. | ۳- الْمَغْلَقُ ^{زرد آلو} |
| 2 | چیزی که باز شده نیست، بلکه بسته شده است | ۴- الْخَضِرُ ^{بسته شده} |
| 1 | جِهَازٌ لِلْخَلَاصِ مِنْ حَرَارَةِ الصَّيْفِ. | ۵- الصَّفِّ ^{سر سبز} |
| 2 | دستگاهی برای رهایی از گرمای تابستان | کلاس |
| 2 | فَاكِهَةٌ يَأْكُلُهَا النَّاسُ مَجْفَفَةً وَ غَيْرَ مَجْفَفَةٍ. | |
| | میوه ای که مردم آن را خشک شده و غیر خشک می خورند | |

التمرين الثالث: عَيِّنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةَ وَالْمُتَضَادَّةَ. = ≠

تمرین سوم: کلمات مترادف و متضاد را معین کن

- أَنْزَلَ / أَصْبَحَ / حَفَلَةٌ / رَفَعَ / صُعُودَ / صَارَ / حُجْرَةٌ / مَهْرَجَانُ / نُزُولُ / عُرْفَةٌ
- أَنْزَلَ ≠ رَفَعَ / أَصْبَحَ = صَارَ / حَفَلَةٌ = مَهْرَجَانُ / صُعُودَ ≠ نُزُولُ / حُجْرَةٌ = عُرْفَةٌ

الْتَمْرِينُ الرَّابِعُ: تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ، وَعَيِّنِ الْفِعْلَ الْمُتَعَدِّيَ.
تمرین چهارم : جمله های پیش رو را ترجمه کن و فعل های متعدی را معین کن

۱- النَّاسُ نِيَامٌ؛ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهَوْا^۲. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
مردم خفتگانند؛ پس هرگاه بمیرند (مردند) بیدار می شوند (شدند)

۲- شَاهِدَ النَّاسُ سُقُوطَ الْأَسْمَاكِ مِنَ السَّمَاءِ.
مردم افتادن ماهی ها از آسمان را مشاهده کردند

۳- يَزْرَعُ الْجَاهِلُ الْعُدُونَ فَيَحْضِي الْخُسْرَانَ.
نادان دشمنی را می کارد پس زیان درو می کند

۴- ذَهَبَتْ سُمَيْهٌ إِلَى مُدِيرَةِ الْمَدْرَسَةِ.
سمیه به سوی مدیر مدرسه رفت

۵- يَرْجِعُ الطُّلَابُ مِنَ السَّفَرِ الْعِلْمِيَّةِ.
دانش آموزان از گردش علمی برگشتند



سنگ قبر بانو دکتر آنه ماری شimmel اسلام پژوه، خاورشناس و مولوی شناس آلمانی

آراسته به حدیث پیامبر اسلام ﷺ

۱- نیام: خفتگان ۲- انْتَبَهَوْا: بیدار شدند (بیدار شوند)

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ التَّالِيَةَ.

تمرین پنجم: آیات پیش رو را ترجمه کن

﴿سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا﴾	﴿يَعْرِفُونَهُمْ﴾	﴿رَجِعُوا إِلَيْهِمْ﴾
کسانی که ظلم کردند خواهند دانست	آنها را می شناسند	به سویشان برگشتند
﴿يَقُولُونَ سَمِعْنَا﴾	﴿وَلَا تَيَاسُوا﴾	﴿أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾
می گویند شنیدیم	و نا امید نشوید	آنچه را نمی دانید می دانم
﴿إِرْجِعِي إِلَى رَبِّكَ﴾	﴿اسْتَخْرِجْهَا﴾	﴿أَكْثَرُهُمْ لَا يَشْكُرُونَ﴾
به سوی پروردگارت برگرد	آن را بیرون آورد	بیشترشان سپاسگزاری نمی کنند
﴿لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ﴾	﴿نَجْعَلُهُمْ أُتَمَّةً﴾	﴿ظَلَمْتُ نَفْسِي﴾
بر چیزی قادر نیست	آنها را پیشوایانی قرار می دهیم	برخودم ظلم کردم
﴿اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا﴾	﴿اغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ﴾	﴿ادْخُلُوا الْجَنَّةَ﴾
ما را بیامرز و به ما رحم کن	چهره هایتان را بشویید	به بهشت داخل شوید
﴿يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ﴾	﴿وَأَتْرِكُ الْبَحْرَ﴾	﴿قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا﴾
در زمین جستجو می کند	و دریا را رها کن (ترک کن)	گفت پس از آن خارج شو

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

إِبْحَثْ عَنْ قِصَّةِ قَصِيرَةٍ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ فِي الْإِنْتَرِنْتِ أَوْ مَجَلَّةٍ أَوْ كِتَابٍ وَ تَرَجِّمْهَا
إِلَى الْفَارْسِيَّةِ، مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمٍ عَرَبِيٍّ - فَارِسِيِّ.

